

چرا به وضعیت زنان اقلیتهای قومی کم‌تر توجه می‌شود؟

مهرداد درویش‌پور

وضعیت زنان موسوم به "اقلیتهای قومی" در ایران تا کنون کمتر مورد توجه پژوهشگران فمینیست و فعالان جنبش زنان قرار گرفته است.

بخشی از دلایل آن ناشی از رویکرد بیشتر جنبش زنان به خواسته‌های عمومی نظیر مبارزه علیه حجاب اجباری، حق کنترل بر بدن و سکسوالیته خود، تامین حقوق زنان در خانواده، بازار کار و آموزش، پایان بخشیدن به خشونت علیه زنان در خانواده و اجتماع، برچیدن تبعیض‌های جنسیتی حقوقی و ساختاری است.

این خواسته‌ها به رغم فراگیر بودن، الزاما خود ویژگی‌های وضعیت زنان گروه‌های قومی (اتنیکی) تحت ستم را بازتاب نمی‌دهند. از آن بدتر گاه نقطه عزیمت این‌گونه بررسی‌ها بیشتر موقعیت، تجربه و خواسته‌های زنان دگرجنس‌خواه طبقه متوسط مدرن شهرهای مرکزی است که به عنوان تجربه کل زنان ایران معرفی می‌شود. مثلا تجربه زنانی که با تبعیض قومی روبه‌رو نیستند، الزاما بازتاب‌دهنده تجربه زنانی که دست‌کم تحت ستم دوگانه (قومی و جنسیتی) هستند، نیست.

بخش دیگری از این کم‌توجهی اما ناشی از رویکرد خود زنان فعال در جنبش‌های اتنیکی است که بیشتر فعالیت‌هایشان در راستای رفع تبعیض اتنیکی و کسب حقوق قومی است. علاوه بر آن بسیاری از آن زنان نگران هستند که تمرکز بر مشکلات این گروه از زنان، پيشداوری‌های قومی درباره آنان را افزایش دهد و خللی در جنبش هویت‌طلبی قومی یا ملی‌شان ایجاد کند. البته این نگرانی می‌تواند ناشی از فشار گفتمان مردسالارانه حاکم بر جنبش‌های اتنیکی باشد که مایل نیستند تصویر خوش‌بینانه و "رهایی‌بخش" مورد نظرشان از هویت‌طلبی‌های قومی، با برجسته شدن موقعیت تحت ستم زنان در بین آنان خدشه‌دار شود.

این درحالی است که بسیاری از زنان "اقلیتهای قومی" تحت ستم چندگانه (ستم جنسیتی، قومی، طبقاتی)، از مشکلات و پیچیدگی‌های بیشتری رنج می‌برند؛ نظیر امکانات محدودتر تحصیلی و اشتغال، الگوهای خشن‌تر مردسالار و شکاف جنسیتی عمیق‌تر در محل زندگی آنان

که خود ناشی از عقبماندگی اقتصادی و اجتماعی ناشی از تبعیض اثنیکی است. یک نمونه اخیر که واکنش‌های بسیاری داشت، مطرح شدن گستردگی ختنه زنان در بخش‌هایی از کردستان ایران است که احتمالاً بسیاری از زنان تهرانی از آن بی‌خبرند و بسیاری از فعالان کرد جنبش زنان نیز نگران آن هستند که تمرکز بر این موضوع با حملات گفتمان‌های مردانه هویت‌طلبی قومی بسیاری از کردها روبرو شود که مایل نیستند تصویر مثبت جمعی از آنان خدشه دار شود و اصلاً طرح این مشکلات را غلوآمیز و دامن زدن به پیشداوری‌های قومی می‌خوانند. مشکلات از این دست در بررسی موقعیت زنان مناطق فقیرنشین بلوچستان، زنان عرب خوزستان و حتی زنان مناطق سنتی‌تر آذربایجان و ... نیز به چشم می‌خورد.

این کم‌توجهی دوسویه به معضلات زنان "اقلیت‌های قومی" البته همیشگی نیست و گاه با نقد فمینیسم "مرکزگرا" و فمینیسم "اقلیت‌های قومی" از یکدیگر روبرو بوده‌ایم. نقش زنان در جنگ کوبانی نمونه‌ای از شکاف بین پاره‌ای از فمینیست‌های موسوم به مرکزگرا و فمینیست‌های کرد بود. دو محور این رویارویی یکی درباره ارزیابی از نقش مثبت یا منفی حضور زنان در جنگ کوبانی علیه داعش و دیگری ارزیابی از نقش مثبت یا منفی الگوسازی از زنان پیشمرگ کرد و پرتره آنان همچون نماد زنان برابری‌طلب، سکولار و امروزین در رسانه‌های غربی بود. در حالی‌که فمینیست‌های کرد غالباً از حضور مسلحانه زنان در جنگ کوبانی و جهانی شدن پرتره آنان همچون نمادی از زن سکولار و برابری‌طلب خاورمیانه دفاع می‌کردند، فمینیست‌های ایرانی "مرکزگرا" بیشتر حضور زنان در جنگ را از منظر صلح‌طلبی فمینیستی زیر پرسش برده و تاکید می‌کردند در آن هیچ نشانی از برابری‌طلبی جنسیتی و گفتمان‌های فمینیستی به چشم نمی‌خورد؛ همان‌گونه که پرتره زنان پیشمرگ کرد و تبلیغ تجاری آنان با لباس‌های رزمنده در رسانه‌های غربی را همچون الگوی زن مدرن و برابری‌طلب و سکولار نادرست می‌دانستند.

همچنین بسیاری از زنان "اقلیت‌های قومی" به نگاه از بالا و بی‌توجهی "فمینیسم مرکزگرا" به موقعیت ویژه و وخیم‌تر خود انتقاد کرده و نقش آن را در تضعیف همبستگی عمومی جنبش زنان ایران مورد تاکید قرار می‌دهند.

اما چگونه می‌توان بر این چالش‌ها در جنبش متکثر زنان ایران غلبه کرد؟ فمینیسم میان‌برشی (تاکید بر مطالعه و تاثیر عوامل مختلف و در هم‌تنیده سرکوب به جای یک عامل) و ضدتبعیض‌گرایی (تبعیض قومی،

سنی، گرایش جنسی و نابرابری طبقاتی) شاید پاسخی مناسب برای پرهیز از خودمحوری "فمینیسم مرکزگرا" و چالش گفتمان غالباً مردانه حاکم بر جنبش‌های هویت‌طلبی قومی باشد.

تاکید بر فمینیسم ضد تبعیض‌گرا از آن رو است که نفی تبعیض در رابطه جنسیتی قدرت الزاماً به معنای نفی تبعیض و نابرابری در حوزه‌های دیگر روابط قدرت (نابرابری طبقاتی، تبعیض قومی، سنی، گرایش جنسی و توان‌خواهی) نیست. مدت‌ها است که باور به هم‌سرنوشتی زنان و "خواهری جهانی" از سوی فمینیست‌های سوسیالیست، فمینیست‌های پسامدرن، کویر فمینیسم، فمینیسم پسااستعماری و فمینیسم میان‌برشی (Intersectionality) نقد شده است. آنان تأکید می‌کنند تفاوت‌های طبقاتی، قومی، گرایش جنسی، درجه توان‌خواهی و... در تجربه و موقعیت زنان نقش ایفا کرده و درباره منافع مشترک زنان نباید غلو کرد. این به معنای انکار فراگیری ستم جنسیتی نیست. اما موقعیت و منافع گوناگون و گاه متضاد گروه‌های مختلف زنان، ضرورت بررسی روابط دیگر قدرت به جز نظام جنسیتی قدرت و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

البته تئوری "نظام جنسیتی قدرت" از این امتیاز برخوردار است که دیدگاه‌هایی را که مسئله زنان را امری فرعی یا تابع حل مشکلاتی دیگر نظیر رهایی طبقاتی، رفع تبعیض قومی یا رهایی ملی یا برقراری دموکراسی می‌دانند، به چالش کشیده و خصلت پاترنالیستی (قیمومیت‌گرایانه) آن‌ها که به حاشیه راندن موقعیت و خواست‌های زنان را در برداشته، نشان داده است.

نقد میان‌برشی "هم‌سرنوشتی زنان" اما، جنبش زنان را به بررسی تبعیض و نابرابری در عرصه‌های دیگر و تأثیر آن بر موقعیت زنان فرا می‌خواند. خطر تأکید یکسویه بر منافع مشترک زنان علیه تبعیض جنسیتی در آن است که می‌تواند تلویحاً ما را به سکوت در برابر دیگر نظام‌های نابرابر قدرت که زنان نیز در آن شریک هستند (همچون نابرابری‌های طبقاتی، سنی، قومی و گرایش جنسی و تفاوت در میزان توان‌خواهی) وا دارد. البته این نیز مهم است که تأکید بر تفاوت‌ها نباید به معنای نامطلوب بودن یا ناممکن بودن طرح خواست‌های همگانی، مشترک و فراگیر زنان تلقی شود. امری که می‌تواند به پراکندگی و تضعیف جنبش زنان بینجامد.

با تکیه بر نظریه میان‌برشی (Intersectionality) می‌توان هم‌زمان به بررسی منافع مشترک زنان در پیکار علیه نابرابری جنسیتی قدرت و

توجه به تفاوت منافع در حوزه تبعیض‌های قومی و دیگر نابرابری‌ها و تاثیر آنها بر یکدیگر پرداخت. یعنی به جای حرکت از فراگیری یا خود ویژگی موقعیت متفاوت زنان، با تحلیل بافت متن (Context)، تلاقی یا تاثیر روابط نابرابر چندگانه قدرت بر یکدیگر را به صورت مشخص روشن ساخت. به این ترتیب با چالش همزمان برتری‌طلبی قومی "فمینیسم مرکزگرا" و برتری‌طلبی جنسیتی گفتمان مردانه هویت‌طلبی قومی، می‌توان در باره وضعیت زنان "اقلیت‌های قومی" پرتو افکنی کرد، بی‌آنکه نگران تضعیف همبستگی عمومی زنان علیه مردسالاری شد.

این مطلب پیش‌تر در بی‌بی‌سی انتشار یافت.